

بررسی کارکردهای مسجد در دوران حکومت علوی با تکیه بر منابع تاریخ و حدیث

علیرضا پور*

چکیده

مسجد به عنوان اولین پایگاه رشد و بالندگی در اسلام و نقطه‌ای منسجم برای انتشار آموزه‌های دینی، خواستگاه حکومت‌داری و کارکردهای مرتبط با جامعه اسلامی شناخته شده است. تحقیق پیش‌رو، به صورت کتابخانه‌ای و با هدف تبیین کارکردهای این نهاد مقدس در دوران حکومت حضرت علی علیه السلام با استناد به منابع تاریخی و حدیثی معتبر، نقش و جایگاه مسجد در حکومت علوی را به اختصار مورد بررسی قرار داده و با شمارش کارکردهای عبادی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی، خدماتی و پشتیبانی، مردم محوری و بسیج نظامی، حکمرانی، قضایی و تبلیغاتی و رسانه‌ای به نتیجه‌گیری پرداخته است. گروهش و رویکرد بنیادین این نوشتار، برخلاف تحقیقات پژوهش‌های موجود در موضوع جایگاه مسجد، خاصه به دوران محدود حکومت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بررسی سیره و نگرش آن بزرگوار در برخورد با مسجد منتهی می‌شود. برون‌داد بررسی گزاره‌های تاریخی و اقوال و روایات معتبر پیرامون این موضوع، صراحتاً بر پیش‌فرض ما مبنی بر همسانی و ارتباط تنگاتنگ حکومت علوی با مسجد صحنه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: مسجد، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کارکرد، اسلام، حکومت علوی.

*. دانش پژوه سطح ۳، تاریخ اهل البیت علیهم السلام، مؤسسه امام رضا علیه السلام.

مقدمه

به گواهی تاریخ، مسجد در دوران حکومت پرفراز و نشیب و البته کوتاه مدت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در اوج اهمیت از لحاظ ساختاری، مبنایی و محتوایی قرار گرفته بود. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نظام حکومتی اسلام از حرکت در مسیری که ایشان برای آن ترسیم نموده بود، بازماند، لیکن تحول سیاسی، پیامدهای عمیق و زیانباری را در ابعاد گوناگون به دنبال داشت. مسجد نیز به عنوان نهادی که کاملاً از جنبه‌های فرهنگی و سیاسی برخوردار بود از این آثار زیانبار به دور نماند. با کنار گذاشتن امیرالمؤمنین علی علیه السلام از عرصه‌های سیاسی، ایشان نتوانست آن‌گونه که باید از این سنگر مقدس در راستای تلاش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بهره‌برداری کند. با این حال، شواهد تاریخی به روشنی نشان می‌دهد که آن حضرت حتی در دوران بیست و پنج ساله سکوت و برکناری از حکومت و خلافت نیز برای بجا آوردن نماز در مسجد حضور می‌یافتند و در موارد لازم به پرسش‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان و دانشمندان ادیان دیگر که به مدینه می‌آمدند، پاسخ می‌گفتند. این رویه تا مدت‌ها ادامه داشت و پس از آنکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام خلافت را به دست گرفت، در آغاز در مدینه و پس از آن در کوفه در سطح وسیع‌تری، از مسجد به عنوان پایگاه و مرکز تبلیغ معارف اسلامی و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی استفاده کردند. آن حضرت بارها در مسجد مدینه و کوفه و گاه نیز در مسجد بصره به وعظ و سخنرانی و رفع مشکلات مردم می‌پرداختند. بسیاری از خطبه‌های مولای متقیان علی علیه السلام که اینک در دسترس ما قرار دارد - و همه موضوعات لازم برای یک حکومت اسلامی و جامعه توحیدی را بیان نموده‌اند - در مسجد کوفه و یا مسجد النبی ایراد شده است. با نگاهی واقع بینانه به مصادر

و منابع تاریخی و حدیثی، روشن می‌شود که مسجد در دوران حکومت ایشان، نه تنها در بعد عبادی، بلکه در تمامی ابعاد آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار فعال بوده است. تمامی این ابعاد و کارکردها زمینه‌ای شد تا تمدن اسلامی - که پس از رحلت پیامبر ﷺ سال‌ها با مخاطرات جدی روبرو شده بود، - مجدداً از درون مساجد مسلمین آغاز گشته و مساجد، خصوصاً مساجد جامع، نخستین پایگاه برای رشد و بالندگی این تمدن فراگیر محسوب شوند. در این میان مهم‌ترین رویکرد امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به مسجد در آن مقطع تاریخی، به عنوان مهم‌ترین رکن زایش و اعتلای یک تمدن اصیل و مرکز اشاعه اسلام ناب، بازگردانی سنت‌های نبوی و اعتلای مجدد دین به خطر افتاده اسلام بود و ایشان در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند.

مفهوم شناسی

مسجد اسم مکان از فعل سجد - یسجد، در لغت به معنی سجده‌گاه و در اصطلاح علما، موضع سجود می‌باشد.^۱ بعضی از اهل لغت گفته‌اند که مسجد خانه‌ای است که برای عبادت ساخته باشند؛ می‌خواهد سجود کرده شده باشد در آن یا نه.^۲ و از سیبویه مأثور است که موضع سجود را مَسْجِدَ گویند به فتح جیم نه غیر؛ و صاحب مجمع البحرین ذکر کرده که مسجد، به فتح و به کسر، خانه نماز است.^۳ هر چند واژه مسجد در مورد چهار دیواری خاصی به کار می‌رود که برای عبادت ساخته شده است، اما در اسلام همه زمین، پاک و پاکیزه است و می‌تواند سجده‌گاه و مسجد مؤمن قرار گیرد.^۴ واژه مسجد، با صیغه‌های مختلف

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۲، ص ۲۷۰۵.

۲. صاحب بن عباد، ب. ع، المحيط في اللغة، ج ۷، ص ۶.

۳. تبریزی م. ز. ب. ک، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، ص ۲۹.

۴. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی پس از بیان فضیلت مسجد الحرام و مسجد الأقصى، به ابودر فرمود: «هر جا وقت نماز رسید، همان جا نماز بخوان که سرتاسر زمین برای تو مسجد است.» بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ۴، ص ۱۶۲، ۱۴۲۲ ق، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي).

۲۹ بار در قرآن به کار رفته و در بیشتر موارد، منظور مسجد الحرام است که به عنوان نخستین مسجد روی زمین شناخته و برای عبادت مردم ساخته شده است.^۱

۱. سیره امیرمؤمنان علیه السلام در ساخت و مدیریت مسجد

در گزارش ابن شهر آشوب آمده است که: امیرمؤمنان علیه السلام به ساخت و بنای مساجد به عنوان پایگاه عظیم تبلیغات و رسانه دینی عنایت و توجه ویژه داشته‌اند و مساجدی را در شهرهای مدینه، کوفه، بصره و عبادان (آبادان) ساخته است.^۲ ایشان حتی هنگامی که لشکر خود را به سوی صفین حرکت می‌داد، در طول راه نیز این امر مقدس که بزرگ‌ترین سنگ بنای تبلیغات دینی در جامعه توحیدی به شمار می‌رود را از یاد نبرد و وقتی به منطقه اقطار رسید، مدتی را توقف نمود و مسجدی در آنجا ساخت که تا سالیان طولانی مردم در آنجا نماز می‌خواندند.^۳ علاوه بر آن، یکی از مسئولیت‌های مهم فرهنگی امام علیه السلام، اقامه نماز جمعه و جماعات بود که به برپایی آن اهتمام می‌ورزیدند. عرفجه ثقفی یکی از اصحاب آن حضرت نقل می‌کند: «علی علیه السلام در ماه رمضان مردم را به اقامه نماز توصیه نموده و برای مردان و زنان امامان جماعت منصوب می‌نمود و من را به امامت جماعت زنان نصب کرد.»^۴

گاهی اگر امام علی علیه السلام کوفه را ترک می‌کرد و یا به دلیل عذری نمی‌توانست نماز جمعه را اقامه کند، امام جمعه یا جماعت موقت انتخاب می‌نمودند. مسعودی می‌نویسد: آنگاه که عذری مانند بیماری برای امیرمؤمنان علیه السلام پیش می‌آمد و نمی‌توانست برای اقامه نماز جمعه در مسجد کوفه حاضر شود، امام حسن علیه السلام را به این امر مهم می‌گمارد.^۵ درباره مدیریت مسجد نیز این نکته قابل ذکر از مصادر

۱- آل عمران: آیه ۹۶، «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ .»

۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳- سیهر، محمدتقی بن محمدعلی، ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴.

۴- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنّف، ج ۳، ص ۱۵۲.

۵- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.



تاریخی استنباط می‌شود که آن حضرت برای مساجد و یا لاقلاً مسجد جامع کوفه که سطوح مختلفی از فعالیت‌ها در آن محل انجام می‌شده است، اقدام به گماشتن خادم و نگهبان می‌کرده‌اند که ابن ابی‌الدنیا در مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام، از فردی از قبیله بنی‌تمیم که این مسئولیت را در مسجد کوفه عهده‌دار بوده است، نام می‌برد.^۱

۲. کارکردهای مسجد در دوران حکومت امیرمؤمنان علیه السلام

در ادامه به برخی از ویژگی‌ها و کارکردهای این مکان مقدس در طول دوران حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره خواهیم نمود:

۲-۱. عبادت

تأکید فراوانی که احادیث منقول از امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر حضور در مساجد و اقامه نماز در آن داشته است، نشان از میزان تأثیرگذاری این پایگاه به عنوان موضعی برای عبودیت، بندگی و وارستگی دارد؛ تا جایی که حضرت برابر نقلی، ارزش حضور در مسجد را حتی از بهشت بالاتر می‌دانستند.^۲ صعصعة بن صوحان عبدی می‌گوید:

«روزی علی علیه السلام نماز صبح را به جماعت به جا آورد. چون سلام نماز داد رو به قبله بدون اینکه به طرف راست و چپ التفاتی کرده باشد، تا آفتاب به دیوارهای مسجد کوفه تابید، به ذکر خدای خود پرداخت.»^۳

در عباراتی که از ضرار بن ضمیره لیبی برای معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام نزد معاویه باقی مانده، چنین آمده است:

«...خدا را گواه می‌گیرم که همانا او را در عبادتگاهش دیدم در صورتی که تاریکی شب جهان را فرا گرفته بود و ستارگان شب رو به

۱. ابن ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد، مقتل الإمام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ص ۱۰۹.

۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۳۶.



افول و غروب نهاده بودند، او در محرابش ایستاده بود محاسنش را در دست گرفته مانند کسی که از شدت مرض به خود می پیچد، او به خود می پیچید، گریه می کرد مانند گریه انسان اندوهناک...^۱

افزون بر آن، ماجرای سد الابواب در دوران حیات پیامبر ﷺ نیز، به گونه‌ای دیگر پیوند جدانشدنی امیرالمؤمنین علیه السلام با مسجد را نشان می دهد.^۲

تعریف چنین جایگاهی برای مسجد نشان می دهد، اصلی ترین کارکرد این مکان مقدس در سیره علوی عبارت است از پایگاه توحید و سنگر ادای تکلیف عبودیت و کانون آکنده از جلوه جمال الهی و سکوی پرواز محبوب ترین زمزمه‌های عارفانه به سوی خداوند متعال. حال پایگاهی که سنگ بنای آن، این چنین بر اساس تعهد، ایمان و تقوا نهاده می شود، به مراتب می تواند در کمال سادگی و به دور از جاذبه‌های ظاهری، تحول آفرین و الهام بخش باشد و در تزکیه و وارستگی اهل ایمان، نقش بی بدیل خود را ایفا نماید.

۲-۱-۱. انس با مسجد

سیره امیرالمؤمنین علیه السلام از ابتدا تا انتهای حیات مبارک، تجلی انس و الفت با مسجد است؛ مردی از انس بن مالک شنید که آیه:

أَمِنْ هُوَ قَانَتْ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا...^۳

«آیا چنین کسی بهتر است [یا آن کس که در طول شب در سجده

و قیام اطاعت می کند...»

درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. آن مرد می گوید: نزد علی رفتم تا عبادت او را بنگرم. خدا گواه است هنگام مغرب نزد او بودم، دیدم با یارانش در مسجد نماز مغرب می خواند و چون فارغ شد به تعقیب نماز مشغول بود، سپس

۱. ابن ابی الدنیاء. ا. ب. م. مقتل الإمام أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام، ص ۹۹.

۲. باید توجه داشت که این مطلب اختصاص به آن دو بزرگوار دارد و به خاطر عصمتشان است که از هر رجس و ناپاکی به دورند؛ هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ص ۲۸۸.

۳. زهر: آیه ۹.



برخاست و نماز عشاء را خواند و به منزلش رفت. من با او وارد منزل شدم و در تمام شب نماز و قرآن می‌خواند تا سپیده دمید. آنگاه تجدید وضو کرد و دوباره به مسجد آمد و با مردم نماز خواند و مشغول تعقیب نماز شد، تا آفتاب برآمد و مردم به او مراجعه کردند، آنگاه دو مرد نزد او جهت قضاوت و محاکمه نشستند، چون فارغ شد مرد دیگری جای آن‌ها را گرفت، تا برای نماز ظهر به پا خاست. سپس وضو تازه کرد و با اصحابش نماز ظهر خواند و مشغول تعقیب بود، تا نماز عصر را با آن‌ها خولند و او همچنان در مسجد بود تا اینکه آفتاب غروب کرد و من گفتم: خدا را گواه می‌گیرم که این آیه درباره او نازل شده است.^۱

ارتباط و حضور مستمر امام علیه السلام با این مکان مقدس آنگونه است که ایشان در مسجد معتکف می‌شدند، افطار می‌نمودند، وضو می‌ساختند و حتی شانه‌ای برای شانه کردن موها^۲ و دستار یا حوله‌ای برای خشک کردن صورت داشتند.^۳ امام علی علیه السلام این کار بست و ویژه مسجد را به مردم نیز معرفی می‌نمودند و ضمن تعریف حریم مسجد و نیز حدود همسایگی مسجد^۴، آنان را مکرراً برای ادای فریضه به این مکان مقدس دعوت می‌کردند^۵ و حتی هنگامی که به مسجد رهسپار می‌شدند، رجزهایی نیز خطاب به مردم می‌خواندند.^۶ نیز ایشان می‌فرمود: «کسی که همسایه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، ص ۲۸۲.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۷۵.

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریف حدود همسایگی مسجد می‌فرماند: «حَرِیمُ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا وَالْحِوْاضُ أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا مِنْ أَرْبَعَةِ حِوْائِئِهَا؛ حریم مسجد تا چهل ذراع (۲۰ متر) و حد همسایگی مسجد تا فاصله ۴۰ خانه از چهار طرف آن است»، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۲.

۵. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمودند: «ثواب نماز در بیت المقدس، معادل هزار رکعت نماز است و نماز در مسجد اعظم (جامع)، برابر صد نماز است و نماز در مسجد محله و قبیله، ثواب ۲۵ رکعت نماز را دارد و در مسجد بازار، دوازده برابر نماز است و نماز در خلنه، به اندازه یک نماز ثواب دارد.»، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵، صص ۲۸۹ و ۲۹۰. همچنین ابوالختری از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: «کسی که همسایه مسجد است اگر در حالی که بیکار و سالم است نماز واجبش را در مسجد نخواند، نماز ندارد.»؛ حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۱۴۵.

۶. میبیدی، حسین بن معین الدین، دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۷۷.

مسجد است و برای نماز در مسجد حضور نمی‌یابد، از اجر و ثواب معنوی نماز برخوردار نیست، مگر کسی که بیماری یا عذری او را از این کار باز دارد.^۱ در واقع حضور در مساجد در سیره علوی، نه یک عادت و توصیه دینی، بلکه رفتاری تأکید شده بود. آن حضرت در ماه رمضان به هنگام پیمودن مسیر خود به مسجد، با ندای «الصلاة، الصلاة» مردم را به حضور در مساجد دعوت کرده و ضمن سرکشی به مسجد جامع و دیگر مساجد، مردم را به تلاوت قرآن سفارش می‌نمود.^۲

۲-۱-۲. اقامه نماز جماعت

امیرمؤمنان علی علیه السلام به برگزاری و اقامه نماز جماعت در مسجد توجه ویژه داشت.^۳ ابن عباس گوید:

«روزی وارد مسجد شدم تا علی علیه السلام را ببینم. دیدم که از مسجد بیرون می‌آید. همین که مرا دید از اینکه ثواب نماز جماعت را از دست داده‌ام اظهار تأسف فرمود».^۴

همچنین، چنان‌که پیشتر گفته شد، گاهی اگر امام علی علیه السلام کوفه را ترک می‌کرد و یا به دلیل عذری نمی‌توانست نماز جمعه را اقامه کند، امام جمعه یا جماعت موقت انتخاب می‌نمودند^۵ که این امر گواه روشنی بر اهمیت اقامه نماز به صورت جماعت نزد آن حضرت دارد.

۲-۱-۳. اعتکاف در مسجد

امیرمؤمنان علی علیه السلام در ایام اعتکاف در مسجد کوفه معتکف می‌شد و از راه‌های گوناگون بر اهمیت اعتکاف، تأکید کرده و مسلمانان را تشویق می‌نمود تا در این

۱. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۵۶.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۹۵؛ ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة، ج ۳، ص ۶۶۹.

۳. ر.ک: صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، ج ۳، ص ۱۵۲.

۴. زبیر بن بکار، الأخبار الموقفیات، ص ۶۰۹.

۵. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.

سنت اسلامی از پیامبر خویش پیروی کنند. به تبع آن، برخی از شیعیان در این زمان، در برهه‌های مختلفی مانند دهه پایانی ماه رمضان، در مسجد کوفه معتکف می‌شدند.^۱ ایشان در بیان کیفیت اعتکاف می‌فرمود: «واجب است معتکف در مسجد بماند و شایسته است که به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز مشغول گردد».^۲ همچنین محمد بن ابی‌بکر در دورانی که والی امیرالمؤمنین علیه السلام در مصر بود، نامه‌ای به امام علیه السلام نوشت و درباره مسائلی از جمله اعتکاف از ایشان سؤال کرد. این امر به خودی خود، گویای اهتمام مسلمانان به اعتکاف بوده است؛ زیرا همان‌گونه که امروزه نیز مشاهده می‌شود، مسلمانان معمولاً درباره مسائل مهم از رهبران دینی استفتاء می‌کنند و نظریات آنان را جویا می‌شوند. امام علیه السلام در پاسخ به نامه محمد بن ابی‌بکر ضمن تأکید بر اهمیت روزه و بیان احکام اعتکاف، درباره شیوه اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله به وی و تمام مسلمانان یادآوری می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام شرایط سخت و علی‌رغم امکانات اندکی که مسلمانان داشتند، هر ساله مراسم اعتکاف را به جای می‌آوردند.^۳

۲-۲. مرکز خدمات و تقسیم بیت المال

۲-۲-۱. شناسایی و رفع نیاز محرومان

در دوره حکومت علوی و پس از آن، مساجد در حل و فصل مشکلات اجتماعی، دستگیری از محرومان، گرسنگان و نیازمندان، نقش مهمی را ایفا می‌کرده است. سائلان و فقیران عموماً به هنگام نماز و حضور مردم در این پایگاه عبادی - سیاسی، امید به رفع گرفتاری خود داشتند و در واقع مسجد را پناهگاهی برای خود می‌دانستند؛ اسود بن قیس می‌گوید: علی علیه السلام در رحبه مسجد کوفه مردم را اطعام می‌نمود و وقتی از آن فارغ می‌شد، به خانه باز می‌گشت و در خانه خود

۱. به عنوان نمونه، ر.ک: طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، ص ۳۴۱.

۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۵۶۴.

۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۲۲۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۵۴۲.



غذای ساده‌ای می‌خورد.^۱ همچنین شهره‌ترین جریان تاریخی در این موضوع، اعطای انگشتر به فقیر در هنگام رکوع توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که در منابع و مصادر گوناگون تاریخ و حدیث نقل شده^۲ و گواه روشنی از مشی آن حضرت بر دستگیری فقرا و محرومان است.

۲-۲-۲. بیتوته در مسجد

مردی از اهالی بصره به نام ابومطر، وقتی از درماندگی به کوفه پناه برده بود، می‌گوید: «من در مسجد کوفه می‌خوابیدم و برای قضای حاجت به رحبه می‌رفتم و از بقال نان می‌گرفتم.»^۳ این رفتار (بیتوته در مسجد) ظاهراً در آن دوران متداول بوده است؛ ابوالحسن بکری سخنی بلند درباره شهادت امیرمؤمنان علیه السلام دارد که در بخشی از آن آمده است:

«از بزرگواری اخلاقش این بود که همواره از خوابیدگان در مسجد کوفه دلجویی می‌کرد. در شب شهادتش نیز بر حسب عادت، هر شب با خوابیدگان در مسجد همان‌گونه عمل کرد تا به آن ملعون - این ملجم - رسید. مشاهده کرد وی بر روی، خوابیده است. فرمود: ای مرد! از خواب برخیز! این خوابی است که خداوند به شدت با آن دشمن است.»^۴

۲-۲-۳. تقسیم بیت المال در مسجد کوفه

یکی از اقدامات موثر امیرمؤمنان علیه السلام در راستای عدالت اقتصادی، شناسایی و رفع نیازهای فقرا بود. ایشان در رفع نیازهای مردم بسیار تأکید داشت و همواره

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۸۷. با اندکی تغییر و اضافه: القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *یتایع الموده لذوی القربی*، محقق: اشرف، علی، ج ۱، ص ۴۴۸، به نقل از همدانی، میر سیدعلی، *ذخیره الملوک*، صص ۲۴۴-۲۴۳.
۲. برای نمونه: ر.ک: طبری ح. ب. ع، اخبار و احادیث و حکایات در فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و مناقب اولاد بتول علیها السلام، ص ۲۱۹.
۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*؛ ج ۱، ص ۱۰۵. در نقل دیگری، نام این مرد بصری، مختار تمار ذکر شده است: طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۰۰.
۴. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعة*، ج ۲۲، ص ۱۷۸. با اندکی تغییر: ابن حبان، محمد بن حبان، *الثقات*، ج ۲، ص ۳۰۲.



آن را به‌عنوان یک دستور حکومتی به کارگزاران خود سفارش می‌نمود. به‌عنوان نمونه به جابر بن عبدالله انصاری، قثم بن عباس، مالک اشتر و دیگرانی از این قبیل دستور می‌داد تا از اموال بیت‌المال در اختیار عائله‌مندان، نیازمندان و تهیدستان قرار دهند.^۱ آنگونه که از گزارش‌ها استنباط می‌شود، ظاهراً علاوه بر محل مشخصی که برای تجمیع و نگهداری بیت‌المال مسلمین در کوفه توسط امام علیه السلام تأسیس شده بود و مردم در آنجا سهام خود را دریافت می‌کردند^۲، صحن^۳ و رحبه مسجد کوفه نیز محل توزیع و تقسیم بیت‌المال بوده است؛ به‌طور مثال، شعبی می‌گوید:

«در حال کودکی با کودکان به رحبه کوفه رفتیم، در این هنگام مشاهده کردیم علی علیه السلام کنار تلی از طلا و نقره ایستاده‌اند و تازیانه‌ای هم در دست دارند و مردم را از نزدیک شدن به محل اموال باز می‌دارند. علی همه آن اموال را بین مردم تقسیم کرد و چیزی از آنها را به خانه‌اش نبرد.»^۴

و یا هارون بن مسلم بجلی نقل می‌کند:

«روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به طرف مسجد کوفه رفتند و در آنجا ریسمان‌هایی را مشاهده کردند. فرمودند: این ریسمان‌ها از کجا آمده است؟ عرض کردند آنها را از سرزمین کسری آورده‌اند، فرمودند: آنها را بین مسلمانان تقسیم کنید.»^۵

۱. برای مطالعه نامه‌های حضرت به عاملین خود در شهرها، رجوع شود به نهج البلاغه.

۲. بنا بر نقلی، حضرت علیه السلام هر جمعه اموالی که در بیت المال قرار می‌گرفت را تقسیم می‌کرد، سپس آن محل را آب و جارو می‌زد و آنگاه در همان جا دو رکعت نماز می‌خواند؛ جاحظ، عمرو بن بحر، رسائل الجاحظ: الرسائل السياسية، ص ۱۹۴.

۳. ثقفی مورخ شیعی معتقد است، جریان حضور عقیل برای دریافت سهم از بیت‌المال در صحن مسجد کوفه رخ داده است. بدین علت صحن مسجد را به‌عنوان محلی برای تقسیم بیت‌المال ذکر کردیم؛ ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۶۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۸۳.



۲-۳. کانون جوشش‌های علمی و آموزشی

مسجد علاوه بر محل نیایش، ذکر، وعظ و خطابه و تجمع مؤمنان در ساعاتی خاص، از آغاز محل ابلاغ احکام، دستورها و آموزه‌های دینی و کاربرد آنها در زندگی روزمره و به نوعی یک دانشگاه بوده است. پس از هجرت امیرمؤمنان علیه السلام به کوفه، این شهر، محل تجمع شیعیان و دوستداران اهل بیت: و مسجد کوفه، کانون آموزش فقه شیعه شد.^۱ تأکید امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر کسب علم و لزوم فراگیری آن برای هر مرد و زن مسلمان^۲، مساجد را به کانون‌های ارزشمند علمی، فرهنگی و آموزشی تبدیل نمود. بدین سان مسجد در دوران حکومت علوی و حتی پیش از آن، رابطه تنگاتنگی با تعلیم و آموزش پیدا کرد. در آن دوران، مسجد اصلی‌ترین و رسمی‌ترین مرکز علمی و آموزشی مسلمانان به حساب می‌آمد و اساساً نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که ریشه اصلی آنچه که بعداً به نام دارالعلم‌ها، مدارس و مراکز علمی معروف گردیدند را باید در مساجد جست‌وجو کرد. تاریخ، گواهی می‌دهد که امیرالمؤمنین علیه السلام، حتی در دوران خلفا نیز بر انتقال معارف اسلامی و عرضه آموزه‌های دینی به مردم در مسجد، اهتمام ویژه‌ای داشته است؛ به‌طور مثال، عمر بن خطاب - که در بسیاری از مسائل که بر او و دیگر اصحاب دشوار بود، به حضرت علی علیه السلام مراجعه می‌کرد و مکرر می‌گفت که اگر علی نبود، وی هلاک می‌شد، - اقرار می‌کند: «هر گاه علی در مسجد حاضر است، نباید هیچ کس دیگری فتوی دهد.»^۳ این علم که مردم، فقط گوشه‌ای از آن را در مسجد از حضرت علی علیه السلام می‌دیدند، حتی مورد ستایش دشمنان آن حضرت نیز بود؛ چنانکه وقتی خبر شهادت حضرت علی علیه السلام به معاویه رسید، گفت: «ذهب الفقه و العلم بموت علي بن ابي طالب؛ یعنی فقه و علم از میان

۱. محرمی، غلام حسن، مقاله «نقش مسجد در حیات علمی جامعه اسلامی (تأقرن چهارم هجری)»، مجله مبلغان، ش ۱۱۰، ۱۳۸۷.

۲. ر.ک: تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۴.

رفت.^۱ این گفته‌ها، افزون بر آن‌که گویای فضیلت و برتری علمی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، نشان می‌دهد که حتی در دوران خلافت خلفا نیز یکی از کارهای آن حضرت، حضور در مسجد و فتوا دادن در مسائل دینی، مسائل روز و پاسخ‌گویی به مشکلات قضایی بوده است و بدین گونه جایگاه ویژه مسجد برای بسط منظومه علمی امیرالمؤمنین علیه السلام نمایان می‌شود.

۲-۳-۱. نقش ویژه امام علیه السلام در حیات علمی کوفه

کوفه خاستگاه اندیشه‌های ناب اسلام و حکومت عدالت‌گستر امیرمؤمنان علیه السلام و مهد پرورش نهضت‌ها و قیام‌ها و گذرگاه حوادث و رخدادهاست. در طول تاریخ کوفه هیچ زمامداری نتوانست مانند علی علیه السلام در این شهر به عدالت حکمرانی کند. همگام با توسعه شهر کوفه، فرهنگ این شهر نیز پیشرفت بسزایی کرد و در مدتی اندک به صورت مدرسه بزرگی درآمد که بعدها در آن استادان نامی با شاگردان بسیار از خاصه و عامه در علوم مختلف اسلامی به افاده و استفاده اشتغال داشتند که از آن میان ۲۲ خاندان دانشور کوفه را می‌توان برشمرد. در واقع کوفه، حیات علمی خود را مرهون وجود مبارک امیرمؤمنان علیه السلام است و ترویج فرهنگ ناب اسلام توسط آن حضرت و پاسخ صریح وی به مسائل مشکلات علمی و اجتماعی مردم در زمینه‌های مختلف، قضاوت‌های عادلانه حضرت در مسجد، قرائت قرآن توسط قاریان با حضور امیرمؤمنان علیه السلام و تصحیح اغلاط آنان، پایه و اساس ساختار علمی کوفه به شمار می‌رود.^۲

رحبه مسجد کوفه

مدعای دیگر پیرامون نقش اثرگذار امام علیه السلام در بسط حیات علمی کوفه، وجود رحبه در مقابل مسجد کوفه، جایی که درب مسجد (آستانه) قرار داشته است می‌باشد و آن

۱. ابن عبد البر، یوسف بن عبداللّه، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۸.

۲. براقی، حسین، مقرر محمدصادق بحر العلوم، تاریخ الکوفة، ص ۱۱.

سکوبی است که امام علی علیه السلام پیش از نماز یا مواقع دیگر، روی آن می‌نشسته‌اند و به پرسش‌های مردم پاسخ می‌داده‌اند. بخشی از روایات به این موضوع اشاره دارد.^۱ قسمت‌هایی از این گزارش‌ها که در منابع روایی و تاریخی آمده، تحت این عنوان است که حضرت علیه السلام در رحبه مسجد کوفه نشسته بود و کسی این سؤال را پرسید و حضرت چنین فرمود، یا این سخن را در رحبه مسجد کوفه ایراد فرمود و... به‌طور مثال، بنا بر گزارش احمد بن حنبل، «امیر مؤمنان علیه السلام وقتی وارد کوفه گردید، در میدان رحبه دربارہ حدیث جانشینی خود در روز غدیر گواهی خواست و مردم را سوگند داد تا کسانی که سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در این باره شنیده‌اند، شهادت دهند.»^۲ ایشان به وسیله وجود چنین محلی در کوفه، علاوه بر تبیین مرجعیت علمی و آموزشی خود، همواره به دنبال اثبات مسأله جانشینی و دعوت همگان به علم، وصایت و امامت خویش بود که موجب پدید آمدن آثار با برکتی در جامعه شیعه گردید. البته با وجود اینکه در کوفه اماکن دیگری نیز به نام رحبه وجود داشته است^۳، غالب مورخان رحبه موجود در مسجد کوفه را مختص علی بن ابی طالب علیه السلام دانسته‌اند. این معنی به خوبی می‌رساند که آن حضرت به قدری در رحبه مسجد کوفه با مردم سخن گفته است که به نام حضرتش مشهور شده است.

۲-۳-۲. برگزاری تربیون آزاد!

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مسجد را محل اقامه حق و عدل قرار داده بود، با نمازگزاران برخوردار می‌نمود و از روی انصاف و عدالت داشت و فضای مسجد را فضایی آرام و آزاد برای ایراد و ابراز اندیشه‌های مختلف قرار داده بود. رفتار ایشان در مسجد کوفه را به نوعی می‌توان مبتدع یک سبک نوآورانه و متداول امروزی به نام تربیون آزاد دانست!^۴

۱. رشاد، علی اکبر، دانش نامه امام علی علیه السلام، ج ۹، ص ۳۷۸.

۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۴۲.

۳. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۳.

۴. ر.ک: مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۱۲۳.

آنگونه که منابع تاریخی مختلف آورده‌اند، حضرت در بسیاری از ساعات، با حضور در صحن مسجد کوفه، علاوه بر رسیدگی به دعاوی و مسائل حقوقی مردم، در نهایت آرامش و آزادی به پرسش‌ها و شبهه‌های علمی و گاه اعتقادی آنان پاسخ می‌داد؛ گفتگوهای میان حضرت و افرادی مانند نوف بکالی، ابن کواء، ابو خدیجه و دیگران (حتی یهودی‌ها، اهالی شام و...) که اسامی آنان در تاریخ ثبت و ضبط است، از همین قبیل است.^۱ ابان از سلیم نقل می‌کند که گفت: «در دوران خلافت عثمان، علی علیه السلام را در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه دیدم به همراه گروهی که با یک دیگر سخن می‌گفتند و از علم و فقه گفتگو می‌کردند.»^۲

۳-۳-۲. آموزش و بیان تفسیر و تأویل اذان، وضو و نماز

در روایات و آموزه‌های دینی بر رعایت آداب نماز و انجام درست و صحیح آن سفارشات متعددی شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از ظرفیت مسجد برای آموزش فرائض دینی نظیر وضو، نماز و تصحیح غلط‌های رایج در میان مردم اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند؛ چنانکه ترمذی می‌نویسد: علی علیه السلام در صحن مسجد کوفه بود و برای او کوزه آبی آوردند، او وضو گرفت و سپس گفت این وضوی کسی است که از او حدیثی سر نزده است و خود دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین رفتار فرمود.^۳ روزی دیگر حضرت در مسجد کوفه جوانی را دید که مشغول نماز خواندن است و پس از نماز، تأویل و معنی حقیقی این فریضه عبادی را به وی آموزش داد.^۴ نیز مشهور است که روزی حضرت شخصی را در حال نماز خواندن در مسجد دیدند که با سرعت و تند نماز خود را می‌خواند. پس از نماز حضرت به او فرمود: چه هدت است که چنین نماز می‌خوانی؟ آن مرد عرض کرد: از فلان وقت. حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند مثل

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۴۰، صص ۱۸۶ و ۱۸۷. نیز برای مطالعه بیشتر، به منابع تاریخی معتبر که غالباً در همین مقاله آمده است، مراجعه شود.

۲. هلالی، سلیم بن قیس، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه کتاب سلیم، ص ۲۶۳.

۳. ترمذی، محمد بن عیسی، الشمائل المحمدیه، ص ۱۲۷؛ کراچی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۶۱.

۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۴.

کلاغ است که دانه را نوک می زند، بدان اگر تو در این حال بمیری، بر غیر دین پیامبر صلی الله علیه و آله مرده ای.^۱

امام حسین علیه السلام نیز می فرماید:

«در مسجد نشسته بودم مؤذن برای اذان بالای مأذنه رفت، وقتی که گفت: الله اکبر، الله اکبر پدرم منقلب شد و آنچنان گریه کرد که همه ما گریه کردیم، هنگامی که اذان او تمام شد، فرمود: آیا می دانید که مؤذن چه می گوید؟ عرض کردیم: خدا و رسولش و وصی رسولش داناترند. فرمود: اگر می دانستید که چه می گوید، کم می خندیدید و بسیار می گریستید. آنگاه حضرت به تفسیر اذان پرداختند.»^۲

همچنین آن حضرت خطاب به محمد بن ابی بکر که او را به فرمانداری مصر گسیل داشته بود، بر کیفیت صحیح برگزاری نماز تأکید ورزیده و امام جماعت را مسئول رفع کوتاهی های مردم در مورد نماز می دانست.^۳ البته در باب اصلاحات باید یادآور شد که با توجه به سایه افکندن مبانی فکری و نظرات فقهی مکتب خلافت در جامعه آن روز، امام علیه السلام به دلیل انشقاق و شورش مردم، موفق به اصلاح تمام سنت های رایج غلط نشدند و برخی از این سنت ها تا دوره های آینده پا برجا ماند.^۴

۲-۳-۴. دستیابی به دانش سودمند در سایه حضور در مسجد

مرحوم کلینی آورده است که گاهی حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر در مسجد کوفه خطبه می خواند و مردم نیز آن را حفظ می کردند.^۵ این دانش سودمند که در سایه حضور در مسجد و زانو زدن در محضر امام مقدور گردیده بود را خود حضرت این چنین توصیف می فرمایند:

۱. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲. «لو تعلمون ما يقول لصحبتكم قليلا و لبيكتم كثيرا»؛ ابن بابویه، محمد بن علی، التوحيد، ص ۲۳۸.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۱۷۹.

۴. به عنوان نمونه، ر.ک: عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

«هر کس پی در پی به مسجد رود به یکی از هشت چیز دست خواهد یافت؛ برادری که در راه خدا از وی بهره گیرد، دانشی که نو و سودمند باشد و...»^۱

در نقلی آمده است که علی علیه السلام با امام حسن علیه السلام و سلمان فارسی وارد مسجد شدند و نشستند؛ مردم در اطراف آن حضرت اجتماع کردند، در آن بین مردی بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و گفت: یا علی من قصد کردم که سه مسأله از شما پرسش نمایم، اگر تو مرا از آنها خبری دادی می دانم که خلیفه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله هستی، اگر مرا از آنها آگاه نکنی می دانم که تو هم مثل آنان (أبوبکر، عمر، عثمان) خواهی بود. علی علیه السلام فرمود: مسأله‌های خود را پرسش نما! سپس آن مرد، سئوالات خود را مطرح کرد و پاسخ همه آنها را دریافت نموده و به ولایت مولا امیرمؤمنان علیه السلام اقرار کرد.^۲ علاوه بر آن، از ابن مسعود روایت شده که مردم در مسجد کوفه پیرامون امیرالمؤمنین علیه السلام با هم مباحثه و محاجه می کردند و حضرت نیز بالای منبر رفته و به پرسش‌های آنان پاسخ می داد.^۳

بنابراین حضور امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد و دعوت ایشان از مردم برای حضور در این مکان مقدس و بیان پرسش‌های علمی از محضر آن حضرت، به خوبی جایگاه مسجد را به عنوان کانونی برای فعالیت و کنش‌گری پیرامون مسائل علمی نشان می دهد. مشی هوشمندانه ایشان برای گسترش بستر آموزه‌های اسلامی در قالب مسجد و تلاش حضرت برای افزایش سواد دینی مردم چنانکه گذشت، در همین راستا بوده است.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۷؛ ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. مسعودی ع. ب. ح، إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، ص ۱۶۰.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴۸.



۲-۴. اجتماع‌های مردمی و بسیج نظامی

مسجد در طول دوران حیات و حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، چه در مدینه و چه در کوفه و جاهای دیگر، همواره به‌عنوان محوری برای اجتماع‌های کوچک و بزرگ مردمی آن دوران به‌شمار می‌رفته است. گذری به وقایع تاریخ نشان می‌دهد، آن حضرت عمده خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود را بر فراز منبر مسجد و در اجتماع مردم ایراد می‌نموده‌اند. ایشان حتی در واپسین روزهای عمر مبارک نیز از پایگاه مسجد برای وعظ و هشدار به مردم نسبت به غارتگری‌های معاویه استفاده می‌نمود؛ چنانکه پس از بازگشت سعید بن قیس همدانی به کوفه، حضرت در باب السده مسجد کوفه نشست و سعد را که غلام آزاد کرده او بود، فراخواند و نامه به او داد که برای مردم بخواند. سعد بر خاست و به گونه‌ای که علی علیه السلام بشنود که چه می‌خواند و مردم چه جوابش می‌دهند، به خواندن پرداخت.^۱

۲-۴-۱. مقرر فرماندهی نظامی

اصلی‌ترین مکان برای همفکری و هم‌افزایی پیرامون مسائل مختلف و نیز مبدأ اجتماعات برای فرماندهی و بسیج نیروهای نظامی و اعزام به جنگ‌ها و پیکارهای آن دوران، همین مسجد بوده است. به‌طور مثال، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام سپاهیان را برای جنگ جمل و اعزام به بصره آماده می‌کردند، آنان را در مسجد مجتمع ساخته و خطبه‌هایی که از ایشان ثبت و ضبط است را بر فراز منبر مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه بیان فرمودند.^۲ و یا هنگامی که از جنگ در منطقه صفین فارغ شدند، ابتدا وارد مسجد کوفه شدند.^۳ ابوالحسن علی بن محمد مدائنی از قول عبدالله بن جناده نقل می‌کند که می‌گفته است: از حجاز به قصد رفتن به عراق حرکت کردم و این در آغاز خلافت علی علیه السلام بود. نخست به مکه

۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲. ن. ک: ابن ابی‌الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

رفتم و عمره گزاردم و سپس به مدینه آمدم و چون وارد مسجد پیامبر ﷺ شدم، منادی مردم را به مسجد فراخواند و مردم جمع شدند. علی رضی الله عنه در حالی که شمشیر بر دوش داشت آمد و سپس خطبه‌ای خطاب به حاضران بیان فرمود.^۱ در گزارشی دیگر چنین آمده است که پس از غارتگری‌های ضحاک بن قیس در منطقه قطقطانه، علی رضی الله عنه در مسجد کوفه حاضر شد و خطبه‌ای خواند، سپس نشست و مردم را فرا خواند. بدین روی چهار هزار نفر فراهم شدند و همراه آنان در جستجوی دشمن رهسپار شد.^۲ به علاوه، اصحاب آن حضرت نیز از این بستر تبلیغی برای تشویق و تهییج مردم و آماده‌سازی آنان جهت پیوستن به سپاه استفاده می‌کردند؛ چنانکه طریف بن عیسی الغنوی می‌گوید: زید بن صوحان در مسجد کوفه خطبه‌ای ادا کرد و گفت که ای گروه مردمان میل کنید و حرکت کنید به جانب امیرالمؤمنین و سید مسلمین و اول مؤمنین به حسب ایمان.^۳

این محوریت نظامی و فرماندهی در دوران پیامبر ﷺ نیز وجود داشته است؛ در جنگ ذات السلسله، پیامبر ﷺ سپاهیان را ابتدا در مسجد جمع نمود و پس از ناکامی چند نفر در عزیمت به سمت دشمن، علی رضی الله عنه به عزیمت دشمن حرکت کرد و پیغمبر ﷺ هم برای بدرقه وی بیرون آمد و تا مسجد احزاب از وی بدرقه کرد.^۴

۲-۴-۲. الصلاة مع الجماعة!

ابن سعد در الطبقات الكبرى می‌نویسد:

«هرگاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد، مردم با شنیدن صدای «الصلاة جامعة» در مسجد گرد هم جمع می‌شدند. این شعار برای مواردی از

۱. ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۵.

۳. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۲۶۳.

۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۱، ص ۱۱۳.



قبیل اعلان خبر فتح و پیروزی به کار می‌رفت و معمولاً در مواقعی که وقت نماز نبود و لازم بود در مسجدی جمع شوند، گفته می‌شد.^۱ این مسعود می‌گوید: «مردم در مسجد کوفه پیرامون جنگ جمل با هم مباحثه و محاجّه می‌کردند. این خبر به سمع مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام رسید امر فرمود منادی نداء کرده و بگوید: الصّلاة جامعة. وقتی مردم اجتماع نمودند، حضرت بالای منبر رفته و ایشان را پاسخی مناسب و در خور ذکر فرمود.»^۲ نیز جنذب بن عبدالله گوید:

«من نزد علی علیه السلام نشسته بودم که ناگهان عبدالله بن قعین جد کعب آمد و با فریاد و نلله خبر مرگ محمد بن ابی بکر را داد، علی علیه السلام از جای خود برخاست و دستور داد فریاد بزنند: الصلاة الجامعة. پس از آن مردم در مسجد جمع شدند و علی علیه السلام بالای منبر رفت و خطبه خواند.»^۳

همچنین ثعلبة بن زید گوید:

«من در بازار شنیدم، منادی علی علیه السلام ندا می‌دهد در مسجد اجتماع کنید، من هم به سرعت به طرف مسجد رفتم و مردم هم با شتاب به طرف مسجد می‌رفتند، هنگامی که داخل میدان مقابل مسجد شدم، دیدم علی علیه السلام بالای منبری که از گل و گچ درست شده قرار گرفته‌اند و برای مردم سخن می‌گویند.»^۴

۲-۴-۳. مرکز مشاوره اسلامی

بدون شک یکی از ابزارهای سعادت‌مندی انسان در امور، استفاده از فکر، اندیشه و توانمندی دیگران برای تسهیل در انجام کارها است. امیرالمؤمنین علیه السلام که خود مشوق اصلی مشورت دادن و مشورت گرفتن از دیگران بود و این امر را

۱. ابن سعد م. ب. س، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع؛ ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۸۵.



عین هدایت می‌دانست^۱، مسجد به عنوان رکن اصلی هر اجتماع را پایگاهی برای مشاوره دینی و مذهبی قرار داده بود. ایشان با استفاده از این ظرفیت معنوی، گاه به پرسش مردم پیرامون وجود خدا^۲ و دنیا^۳ و گاه به بازخوانی سیره و سیرت نبوی که مورد سئوال شیعیان بود^۴، پاسخ می‌داد. علاوه بر قضاوت‌های امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه و پرسشگری‌های مردم حول این موضوعات و نظیر آن چون فقه، تفسیر، امامت و...^۵ گزارش‌های متعددی پیرامون حضور مردم در مسجد و کمک و مشورت خواستن از امام علیه السلام پیرامون مسائل فردی یا اجتماعی در منابع مختلف ثبت و ضبط است؛ به‌طور مثال روزی امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد شد، مردی را غمناک و سر به گریبان دید که از غم و غصه فقدان پدر، مادر و برادرش دچار افسردگی شده بود و حضرت نیز با جملاتی آرامش بخش و البته رسا او را راهنمایی نمود.^۶ و یا شخصی دیگری که در مسجد نزد امیرمؤمنان علیه السلام حاضر شده و از شرایط و احوال شخصی خود و اینکه قصد حج نموده است، با حضرت سخن می‌گوید و از ایشان برای رفتن به حج درخواست مشورت می‌کند.^۷ همچنین شریح بن حارث می‌گوید: همراه با امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه نشسته بودم که مردی از راه رسید و نزد آن حضرت، از وخامت اوضاع و کثرت اهل و عیالش گفت و امام علیه السلام نیز با بیاناتی او را موعظه نمود.^۸



۱. شریف الرضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.
۲. ناطق بالحق، یحیی بن حسین، تیسیر المطالب فی أمالی أبي طالب، ص ۲۸۶.
۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۹۷.
۴. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۲، ص ۶۰۶.
۵. به طور مثال، رجوع شود به کتاب کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۹.
۶. همان، ج ۳، ص ۲۳۲.
۷. ابن‌اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ج ۱، ص ۲۲۱.
۸. ابن طیبوری، مبارک بن عبدالجبار، الطبوریات، ج ۱، ص ۱۳۷.

علاوه بر آن، نوف بکالی نیز می گوید: «وارد مسجد شدم و از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست پند و موعظه کردم و ایشان نیز با هربار درخواست، مرا اندرز نمود.»^۱

۲-۴-۴. تجلی اجتماع تراز و تالیف قلوب

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل گیری اجتماعات مسلمین دارد. از این جهت به طور طبیعی مسجد می تولد کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکانها مؤمنان فرصت می یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم رنگ هستند و توان ایجاد گروههای اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین آنان می توانند از بین اهل مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد. پیشتر نیز در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده شد که هر کس پی در پی به مسجد رود به یکی از هشت چیز دست خواهد یافت که یکی از آنها «برادری که در راه خدا از وی بهره گیرد» بود. بدین ترتیب، زنان و مردان با حضور در مساجد، می توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره مند شوند. طبق روایتی دیگر که از امام علی علیه السلام نقل شده، تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد بر جای می گذارد، می تولد جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمین را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند.^۲ بر این اساس حضور در مسجد، می تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم و گناهان نیز داشته باشد.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، ص ۲۰۹.

۲. ر.ک: ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲-۵. حکمرانی

مسجد همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر ﷺ و چه در زمان امام علی ﷺ و دیگران قابل پیگیری است و نمونه‌های فراوانی درباره آن می‌توان ذکر کرد. از آنجا که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردم جدایی نیست و مسلمانان می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت و بر پیشرفت امور جامعه نظارت کنند و مواضع خود را در مسائل سیاسی به‌طور آشکار اعلام نمایند و با ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادها سازنده حکومت را یاری دهند، بر این اساس امیرالمؤمنین ﷺ به منظور مداخله مسلمانان در شیوه حکومت و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به‌عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. اساساً می‌توان گفت مردم برای انجام هر امری، در مسجد گرد هم جمع می‌شدند و مرکز دیگری را نمی‌شناختند. امیرالمؤمنین ﷺ نیز با سوق دادن امور به سمت مساجد، ظرفیت بالای این مرکز دینی را به مردم نشان می‌داد و بر تک بعدی بودن این پایگاه معنوی عملاً خط بطلان می‌کشید. چنانکه در نقل‌های گوناگون تاریخی نیز بیان شده، اولین و مهم‌ترین تصمیم‌گیری سیاسی در زمان آن حضرت را مردم حول محور مسأله خلافت و بیعت با امیرمؤمنان ﷺ، با حضور در مسجد رقم زدند.^۱ جملاتی که از آن حضرت خطاب به مردم در آن برهه بر جای مانده، از این قبیل است: «با شما جز در مسجد رسول خدا ﷺ و آشکارا بیعت نخواهم کرد و اگر گروهی مرا خوش نداشته باشند بیعت شما را پذیرا نخواهم بود.»^۲ در این هنگام علی به مسجد آمد و مردم هم به مسجد آمدند و منادی به آن کار ندا داد.^۳

۱. اسکافی م. ب. ع. ۱، المعیار و الموازنة في فضائل الإمام أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب ﷺ و بيان أفضليته علي جميع العالمين بعد الأنبياء والمرسلين، ص ۵۱.

۲. امیرالمؤمنین ﷺ خود در خطبه‌های ۳، ۵۱ و ۲۳۰ نهج البلاغه، صحنه‌هایی از چگونگی هجوم و بیعت مردم را با خود بیان فرموده است.

۳. اسکافی م. ب. ع. ۱، پیشین، ص ۵۲.



نیز از سیره آن بزرگوار چنین بود که اگر کارگزاری برای رفع مشکلات مردم قدم برنمی داشت، یا آنکه مشکلاتی را هم برای آنان ایجاد می کرد، امیرمؤمنان علیه السلام حاضر بود تا به خاطر آن در بستر همین پایگاه حکمرانی یعنی مسجد به عزل کارگزاران نیز اقدام نماید.^۱ امام خمینی رحمته الله علیه با توجه به همین کارکرد مسجد در صدر اسلام بود که هشدار می داد: «مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، شالوده‌اش در مسجد ریخته می شد. در زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر علیه السلام...»^۲

۲-۶. قضاوت

مسجد در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام یک دادگستری به تمام معنا بود و مردم برای حل و فصل دعاوی و مسأله حقوقی خود، به این دادگاه عمومی مراجعه می کردند. نمونه‌های بسیاری از قضاوت امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد ثبت و ضبط است.^۳ گستره این پایگاه قضایی به حدی بود که به نقل اصبح بن نباته، گاهی مسجد کوفه با ازدیاد فراوان مردم برای حسابرسی و رسیدگی به امور قضایی روبرو می شد.^۴

۲-۶-۱. دکه القضاء مسجد کوفه

یکی از محل‌های قضاوت امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه، دکه القضاء این مسجد بود. دکه به معنای جایگاه بلندی است که شخص روی آن می نشسته و آموزش می داده است. این دکه‌ها مستطیل یا مربع و متصل به ستون‌ها و محراب‌های مسجد بوده است. از همه مشهورتر دکه القضاء امیرالمؤمنین علیه السلام بود که

۱. ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، ص ۴۸.

۲. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲، صص ۳۲-۳۱.

۳. به عنوان نمونه: ر.ک: ابن ابی الحدید ع. ۱، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳؛ حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ص ۱۷۲.

۴. ر.ک: حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، الحیاة، ج ۱، ص ۶۶۷.

آن حضرت روی آن می‌نشست و میان مردم قضاوت می‌کرد.^۱ ابن ادریس می‌گوید: «بحثی نیست که امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد جامع کوفه به قضاوت می‌پرداخت و «دکة القضاء» آن حضرت که محل قضاوتش بود، تا به امروز معروف است.»^۲ براقی مورخ بزرگ عراقی نیز می‌گوید: حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام در دوران خلافتش در مسجد جامع کوفه و در محلی که معروف به دکة القضاءات و در کنار موضعی معروف به بیت الطلثت قرار داشت، برای قضاوت میان طرفین دعوا می‌نشست. در آنجا، ستون کوچکی وجود داشت که جمله **«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»**^۳ «همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد...» بر روی آن نوشته شده بود.^۴ از عمار بن یاسر و زید بن ارقم روایت شده که ما در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام بودیم که ناگاه جنجال بزرگی شد و آن حضرت بر دکة القضاء بود و فرمود:

ای عمار هر که بر در دادگستری است بیاور. سپس عمار افرادی که خواهان حل و فصل دعاوی بودند را به محضر ایشان در مسجد راهنمایی می‌نمود.^۵

باید دانست؛ ضمن آنکه خود حضرت نیز به امر قضاوت اهتمام داشتند، اما امور معمول و جاری قضایی کوفه در زمان حکومت امیرمؤمنان علیه السلام بر عهده قاضیانی نظیر شریح و دیگران بوده است و حتی با وجود بنای «بیت القصص» به عنوان مرکز و مرجع رسیدگی به امور شکایات مردمی، ولی گاهی مشکلاتی را نزد آن حضرت می‌آوردند و او در مسجد روی همان دکة مخصوص خود به قضاوت می‌نشست و در آن حال، مردم نیز در اطراف امام علیه السلام گرد می‌آمدند و

۱. الطریحی، محمد سعید، العتبات المقدسه فی الکوفه، ص ۸۴.

۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی و المستطرفات، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. نحل: آیه ۹۰.

۴. براقی ح، تاریخ الکوفه، ص ۲۳۲.

۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۴۵.

جریان دادرسی و صدور حکم آن حضرت را نظاره می‌کردند که این صحنه‌ها از پرشکوه‌ترین مجامع قضای اسلامی در طول تاریخ بوده است. مجموع این شواهد، دادگستر بودن مسجد در عصر درخشان علوی را به اثبات می‌رساند.

۲-۷. پایگاه تبلیغات و رسانه

پس از استقرار امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه، مسجد که تنها مرکز عمومی و کانون ارتباط جمعی در جامعه اسلامی به شمار می‌رفت، به‌عنوان پایگاه اساسی کل فعالیت‌های تبلیغاتی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت. حضرت در این پایگاه بزرگ تبلیغی در پرتو تعالیم آسمانی اسلام و از طریق تدریس، وعظ، ارشاد و ایراد خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانی‌ها به نشر فرهنگ عظیم اسلامی پرداخت و با برپایی آیین‌های با شکوه جمعه و جماعات و تشکیل حلقه‌های علمی در این مکان، مجد و عظمت آیین اسلام را به نمایش گذاشت. برپایی صفوف به هم فشرده مؤمنان برای ادای فرایض روزانه و نیز تلاوت دلنشین آیات قرآن، در افراد و گروه‌هایی که گه‌گاه به کوفه می‌آمدند تأثیر بسیار چشم‌گیری داشت. همچنین، چنانکه در مطالب قبل اشاره شد، مسجد در دوران حیات امیرالمؤمنین علیه السلام، دانشگاه بزرگ تبلیغی را می‌مانست که در آن، حضرت در پرتو افاضات آموزنده خویش به تربیت مبلغان ورزیده‌ای همت گماشت و آنان را پس از آگاهی از قرآن و فقه اسلامی، به نقاط مختلف جهان اسلام اعزام کرد تا در پرتو هدایت و تعلیم، مردم را از ظلمت جهل و شرک برهانند و به آغوش اسلام ناب فرا خوانند. همچنین عده‌ای از مردم با آگاهی از نقش تأثیرگذار و تبلیغاتی مسجد در جامعه، نسبت به مقام امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام اظهار ارادت می‌کردند و در همین بستر، اشعاری را خطاب به جایگاه امام علیه السلام می‌خواندند.^۱

استفاده از ظرفیت تبلیغی مسجد، پیشتر و در دوران خلفای سه‌گانه نیز از جانب وفاداران به خاندان امامت در درون هسته مرکزی مسجد روی می‌داد؛

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۸۱.

چنانکه حضرت زهرا علیها السلام به عنوان نخستین معترض به غصب خلافت علی علیه السلام، با رفتن به مسجد و خطاب قرار دادن حاضران، به تشریح انحرافات جامعه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت.^۱ و یا ابوذر که به خاطر بیان فضائل اهل بیت: از جمله علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد مدینه، مورد خشم عثمان واقع شد.^۲ بدین گونه و بر اثر موج تبلیغات فرهنگی، مساجد در آن دوران به صورت کانون‌های تبلیغات و نشر و اشاعه فرهنگ و تمدن اسلامی درآمدند.

۱. ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، صص ۲۶-۲۳.

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱.

نتیجه گیری

مسجد در سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام، به عنوان یک پایگاه عبادی، کاربردهای گوناگونی داشته است. نگاه و برخورد تاریخی حضرت با این پایگاه عظیم در اسلام نشان می دهد مسجد، ابزارها و موقعیت ها و پتانسیل هایی را در اختیار دارد که به کمک آن می توان ضمن پرداختن به مسائل عبادی و افزایش شناخت دینی نمازگزاران، در پرتو آن به عنوان جایگاهی برای کنشگری در حوزه های مختلف علمی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی و اقتصادی نیز معرفی کرد. همین مجاورت عبادت و حل مسائل مختلف فردی، اجتماعی و حکومتی، اساس تمدن اسلامی را در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام مجدداً بنیان نهاد و هم در آن دوران و هم اکنون، (به تاسی از مسیری که حضرت در برخورد با مسجد پیموده اند)، دشمنان دین زمانی که دریافتند محور و بنیاد تمدن اسلامی ناشی از شکوفایی تلفیق علم، دین، سیاست و کنشگری فعالانه مردم در تحقق جامعه تراز است، برای اضمحلال آن تمدن، جدایی آنها را نشانه گرفتند. البته هیچ گاه در نیل به اهداف خود فائق نبودند و اساساً یکی از موفقیت های امیرالمؤمنین علیه السلام و پیش از ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله را باید در مقابله هدفمند با این جریان و پیوند مسجد و مردم عنوان نمود. بدین ترتیب مسجد در دوران پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا امروز، کانون مبارزات عدالت خواهانه و حق طلبانه مردم مسلمان بوده است و قلب حرکت های اسلامی به شمار می رفته است؛ همانطور که مسجد در صدر اسلام نقش محوری در نهضت اسلامی ایفا نمود مساجد ایران نیز در انقلاب اسلامی ایران نقش بنیادینی داشتند که هرگز فراموش نخواهد شد. در این راه لازم است با گرویدن به مسجد به عنوان مردمی ترین پایگاه های اجتماعی و با بهره گیری از سیره ائمه معصومین علیهم السلام در مواجهه با مسجد و همچنین ذائقه سنجی و استفاده از ظرفیت مردم خصوصاً جوانان و داشتن افق چشم انداز برای اجرای برنامه ها و طرح ها، مساجد جامعه اسلامی را به مساجد تمدن ساز و تراز اسلامی مبدل گردانیم.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحلید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن ابی الدنیا، عبدالله بن محمد، مقتل الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام، محقق: محمدمباقر محمودی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي. مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن ابی طاهر، احمد، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی، [بی تا].
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة، ج ۳، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي و المستطرفات؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ج ۱، محقق: علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، محقق/مصحح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۸. _____، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۹. _____، علل الشرائع، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.
۱۰. _____، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، ج ۲، محقق: حسین ابراهیم زهران، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق.



۱۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد بن حنبل*، محقق: احمد محمد شاکر، ج ۱، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
۱۳. ابن سعد، م.ب.س.، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۱۴. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، *الفضائل*، قم: رضی، ۱۳۶۳.
۱۵. ابن شبه نمیری، عمر، *تاریخ المدینة المنورة*، ج ۲، محقق: فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*، مصحح: محمد حسین آشتیانی، هاشم رسولی، ج ۲، قم: ایران، علامه، [بی تا].
۱۸. ابن طیوری، مبارک بن عبدالجبار، *الطیوریات*؛ ج ۱، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۹. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، محقق: علی محمد بجاوی، ج ۳، بیروت: صبح پیروزی، ۱۴۱۲ق.
۲۰. اسکافی م.ب.ع.ا.، *المعیار و الموازنة فی فضائل الإمام أميرالمومنین علی بن ابي طالب عليه السلام و بیان افضالیته علی جمیع العالمین بعد الأنبیاء والمرسلین*، تهران: نشر نی، ۱۴۰۲ق.
۲۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، ج ۴ محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبدالباقي)، [بی جا]: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۲۲. براقی، حسین، *تاریخ الکوفة*، مقرر: محمدصادق بحر العلوم، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۷ق.

۲۳. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعة*؛ ج ۲۲، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، ج ۲، محقق: عبدالعزیز دوری و دیگران، القاهرة: دار المعارف، [بی تا].
۲۵. تبریزی، محمد زمان بن کلبعلی، *فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد*، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: احیاء کتاب، ۱۳۷۳.
۲۶. ترمذی، محمد بن عیسی، *الشمائل المحمدية*، مصحح: محمد احمد حلاق، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی تهران، ۱۳۹۵.
۲۸. جاحظ، عمرو بن بحر، *رسائل الجاحظ، الرسائل السياسية*، محقق: علی بوملحم، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲ م.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ج ۵، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ج ۱، محقق / مصحح: محمدباقر محمودی، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، *الحياة*، ج ۱، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، ج ۷، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

۳۴. خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، ج ۲، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، [بی تا].
۳۵. دهخدا علی اکبر، *لغت نامه* ج ۲، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۹۰.
۳۶. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب الى الصواب*؛ ج ۲، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۳۷. رشاد، علی اکبر، *دانش نامه امام علی (علیه السلام)*، ج ۹، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۸. رضایی، علی، *جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی*، [بی جا]: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۲.
۳۹. زبیر بن بکار، *الأخبار الموقیات*، محقق: سامی مکی عانی، *الأخبار الموقیات*؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۴.
۴۰. سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، *ناسخ التواریخ*؛ ج ۲، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۹۴.
۴۱. شریف الرضی، محمد بن حسن، *نهج البلاغه*، محقق / مصحح: صبحی صالح ۱۴۱۴ق، قم: هجرت.
۴۲. صاحب بن عباد ا.ب.ع، *المحیط فی اللغة*، ج ۷، [بی جا]: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۴۳. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴۴. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.



۴۵. طبری آملی، محمد بن جریر، *دلائل الإمامة*، قم: بنیاد بعثت. مرکز چاپ و نشر، ۱۴۱۳ق.
۴۶. طبری ح.ب.ع.، *اخبار و احادیث و حکایات در فضائل اهل بیت رسول ﷺ و مناقب اولاد بتول*، ج ۳، قم: نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۴۷. طریحی، محمد سعید، *العتبات المقدسه فی الکوفه*، ج ۲، بیروت: دارالکتبی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، محقق/مصحح: حسن خرسان الموسوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۹. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، محقق/مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۵۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین*، ج ۲، محقق: مجتبی فرجی، غلامحسین مجیدی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۱.
۵۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع الموده لذوی القربی*، ج ۱، محقق: علی اشرف، علی، قم: دار الأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۲۲ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۲ و ۳، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۵۳. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، ج ۱، محقق/مصحح: عبدالله نعمه، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۵. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۵۶. _____، *مروج الذهب*، ج ۲، محقق: یوسف اسعد داغر، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.



۵۷. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

۵۸. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۱ و ۲، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۵۹. _____ الفصول المختاره؛ محقق / مصحح: علی میرشریفی، علی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۶۰. میبدی، حسین بن معین المدين، ديوان امير المؤمنين علیه السلام؛ قم: دار نداء الاسلام للنشر، ۱۴۱۱ق.

۶۱. ناطق بالحق، يحيى بن حسين، تيسير المطالب في أمالي أبي طالب علیه السلام، صنعاء: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية، ۱۴۲۲ق.

۶۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

۶۳. هلالی، سلیم بن قیس، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه کتاب سلیم، مترجم: محمودرضا افتخارزاده، تهران: انتشارات رسالت قلم، ۱۳۷۷.

۶۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.

۶۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر، [بی تا].